

تحلیل رویکردهای اسلامی در تقویت نگرش مثبت زنان به خانه‌داری

سید محمد علوی زاده^۱، اکرم السادات سیدی^۲، محمدمهدی عباسی آغوی^۳

چکیده

خانه‌داری به‌عنوان یکی از نقش‌های بنیادین زنان در نظام خانواده، همواره محل مناقشه‌ای میان نگرش‌های سنتی و مدرن در مباحث اجتماعی و فرهنگی بوده است. در بسیاری از جوامع، کاهش ارزش اجتماعی این نقش منجر به تضعیف انگیزه و احساس رضایت زنان از انجام وظایف خانه‌داری شده است. این پژوهش با هدف تحلیل رویکردهای اسلامی در تقویت نگرش مثبت زنان نسبت به خانه‌داری انجام شده و تلاش دارد با بهره‌گیری از منابع اسلامی و رویکردهای روان‌شناختی، راهکارهایی سازنده در این زمینه ارائه دهد. روش تحقیق در این مطالعه کیفی و مبتنی بر تحلیل اسنادی است. داده‌ها از طریق مطالعه منابع کتابخانه‌ای، متون دینی (قرآن و روایات) و بررسی پژوهش‌های پیشین گردآوری شده و با روش تحلیل مضمون دسته‌بندی و تفسیر گردیده‌اند. یافته‌های پژوهش در سه رویکرد شناختی، عاطفی و رفتاری تنظیم شده است. در بُعد شناختی، بر توجیه‌های دینی، پاداش‌های اخروی، رشد معنوی و الگوهای اسلامی تأکید شده است. در بعد عاطفی، روش‌هایی مانند تقویت حس ارزشمندی، ایجاد امنیت روانی و قدردانی از تلاش‌های زنان، جهت بهبود نگرش مورد بررسی قرار گرفته‌اند. همچنین، در رویکرد رفتاری، تمرین عملی، تقسیم مسئولیت‌ها و مشارکت مردان به‌عنوان عوامل مؤثر شناسایی شده‌اند. نتیجه نهایی حاکی از آن است که با استفاده تلفیقی از این رویکردها و در پرتو تعالیم اسلامی، می‌توان زمینه ارتقاء نگرش مثبت به خانه‌داری را فراهم ساخت و آن را به نقشی معنوی، هویتی و رشد یافته در هویت زن مسلمان تبدیل نمود.

کلیدواژه‌ها: خانه‌داری، رویکرد رفتاری، رویکرد شناختی، رویکرد عاطفی، نگرش زنان

۱. *نویسنده مسئول. دانشجوی دکتری رشته قرآن و علوم (گرایش روانشناسی)، جامعه المصطفی، قم، ایران. alavizade@mail.ir

۲. دانش‌آموخته سطح ۴ جامعه الزهرا، رشته تفسیر تطبیقی، قم، ایران.

۳. دانشیار، کارشناسی روان‌شناسی و معارف اسلامی / کارشناسی ارشد روانشناسی خانواده / دکترای فلسفه تطبیقی

مقدمه

نگرش یکی از مفاهیم بنیادین در علوم انسانی است که در حوزه‌هایی چون روان‌شناسی، تعلیم و تربیت، جامعه‌شناسی و ارتباطات بررسی می‌شود. (بهمن و وانکناشر، 1384، ص 5) نگرش‌ها، جهت‌گیری ذهنی فرد نسبت به موضوعات پیرامونی‌اند و تأثیر مستقیمی بر برداشت‌ها، رفتارها و تصمیم‌گیری‌ها دارند. نگرش‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در قضاوت‌ها، رمزگردانی و یادآوری اطلاعات موجود در حافظه ایفا می‌کنند (همان، ص 248) و از این رو، می‌توان بر اساس نگرش‌های افراد، رفتار آن‌ها را پیش‌بینی کرد (همان، صص 209-212).

نوع نگرش انسان می‌تواند بر سلامت روان، روابط اجتماعی، انگیزه‌های فردی و حتی عملکرد اجتماعی او اثرگذار باشد. نگرش‌های مثبت مانند خوش‌بینی، امیدواری و شکرگزاری، با افزایش تاب‌آوری و سطح رضایت از زندگی، احتمال ابتلا به بیماری‌های روانی و جسمی را کاهش می‌دهند (نجاتی، 1402، ص 78). در مقابل، نگرش‌های منفی همچون بدبینی، اضطراب و افسردگی می‌توانند تأثیرات مخربی بر سلامت فردی بگذارند؛ به طوری که ممکن است منجر به بی‌خوابی، استرس، کاهش تمرکز، افت تحصیلی و حتی افسردگی بالینی شوند (بشیریان و دیگران، 1397، صص 38-39). همچنین، نگرش فرد بر روابط بین فردی نیز تأثیرگذار است؛ افراد دارای نگرش مثبت نسبت به دیگران، روابطی صمیمی‌تر و پایدارتر برقرار می‌کنند، در حالی که نگرش‌های منفی می‌توانند منجر به سوءظن، کناره‌گیری اجتماعی و ضعف ارتباطات انسانی شوند (رضایی و سلیمی، 1383، صص 89-90).

در این میان، نقش خانه‌داری به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین مسئولیت‌های انسانی و خانوادگی، جایگاهی ویژه در شکل‌دهی به سلامت روانی و انسجام عاطفی خانواده دارد. این نقش نه تنها کارکردی اجتماعی، بلکه معنوی نیز دارد تا

آنجا که در منابع اسلامی، به‌عنوان عملی مقدس و بافضیلت معرفی شده که دارای اجر و ثواب معنوی است؛ اما در شرایط اجتماعی معاصر، به‌ویژه با گسترش نگاه‌های مدرن به تقسیم نقش‌ها، شأن خانه‌داری گاه کمرنگ یا حتی نادیده گرفته می‌شود؛ موضوعی که می‌تواند بر نگرش زنان نسبت به این نقش اثر منفی بگذارد و ضرورت بازتعریف آن را دوچندان سازد. مطالعات گوناگونی به موضوع نگرش و تغییر آن پرداخته‌اند. یوسفی و تجربه‌کار (1395) با تأکید بر اهمیت نگرش و کارکردهای آن، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری نگرش مانند وراثت، شرطی‌سازی، یادگیری، تعلق گروهی، خانواده و فرهنگ را بررسی کرده‌اند. فهیمی (1402) در مقاله‌ای با عنوان «شکل‌گیری، تغییر و تثبیت نگرش در تعلیمات دینی»، به فقدان توجه به پایه‌های روان‌شناختی در تربیت نگرشی در نظام آموزشی ایران انتقاد دارد. علوی‌زاده و هادی (2024) با رویکردی قرآنی به بررسی راهبردهای شناختی تغییر نگرش از منظر آیات و اندیشه‌های قرآنی پرداخته‌اند، اما به مصادیق خاصی چون خانه‌داری نپرداخته‌اند.

در حوزه نگرش به خانه‌داری، پژوهش‌هایی نظیر تحقیق ابراهیمی و صالحی (1390) به مقایسه سطح رضایت از زندگی زنان شاغل و خانه‌دار پرداخته‌اند، اما بیشتر جنبه آماری و توصیفی داشته و فاقد تحلیل نگرشی بوده‌اند. همچنین، مطالعات امین‌فر (1393) و علیزاده‌ا قدم و همکاران (1400) به تحلیل نگرش زنان به نقش خانه‌داری از منظر اجتماعی و ساختاری پرداخته‌اند، اما بدون تکیه بر منابع دینی یا ارائه راهکارهای ارزشی. مقالات بدری‌منش و صادقی‌فسایی (1394) نیز از زاویه‌ای انتقادی به نابرابری نقش‌های جنسیتی در خانه‌داری پرداخته‌اند، بی‌آن‌که تحلیل دینی یا هویتی ارائه دهند.

پژوهش حاضر با تمرکز بر منابع اسلامی شامل قرآن کریم، احادیث و سیره معصومان (علیهم‌السلام)، به تحلیل نگرش

به عمل. عنصر شناختی شامل باورها و اعتقادات فرد درباره یک پدیده است. عنصر احساسی یا عاطفی، به احساسات و هیجاناتی مربوط می‌شود که معمولاً با باورهای فرد پیوند دارند و در نهایت، تمایل به عمل، به آمادگی برای واکنش رفتاری خاص اشاره دارد (کریمی، ۱۳۷۳: ص ۲۹۵). بر این اساس، مؤلفه‌های نگرش عبارت‌اند از: افکار و عقاید (شناختی)، احساسات یا عواطف (عاطفی) و تمایلات رفتاری. اکثر پژوهشگران نیز در تقسیم‌بندی نگرش به این سه بُعد اتفاق نظر دارند.

رابطه نگرش با علاقه

واژه «علاقه» ریشه عربی دارد و در فارسی به معانی دل‌بستگی، مناسبت بین دو چیز، دوستی و محبت، ارتباط و آویزش دل به کار می‌رود (نفیسی، بی‌تا، ج ۴، ص ۲۳۹۴؛ دهخدا، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۰۰۶). در روان‌شناسی، علاقه نوعی گرایش درونی و هیجان مثبت است که فرد را به سمت موضوعاتی سوق می‌دهد که برای او لذت‌بخش یا معنادارند؛ به عبارتی، علاقه نوعی انگیزه درونی برای توجه، تعامل یا یادگیری در موضوعی خاص است (هاشمی، ۱۳۹۱، ص ۴۴).

در مقابل، نگرش مفهومی گسترده‌تر و سه‌بعدیست که مؤلفه‌های شناختی (باور)، عاطفی (احساس) و رفتاری (آمادگی برای واکنش) را در بر دارد (ترکان و کجباف، ۱۳۸۷، ص ۵۰؛ کریمی، ۱۳۷۳، ص ۲۹۵). اگرچه علاقه و نگرش هر دو جهت‌گیری‌های هیجانی نسبت به یک پدیده‌اند، اما علاقه بیشتر جنبه احساسی دارد و به تجربه لذت یا تمایل شخصی محدود می‌شود، در حالی که نگرش‌ها معمولاً بر ارزیابی‌های کلی و شناختی نیز استوارند (پی‌فرگاس، ۱۳۷۳، ص ۳۱۹). برای مثال، فردی ممکن است نگرشی مثبت به هنر داشته باشد، اما فاقد علاقه شخصی برای مشارکت در آن باشد. یا برعکس، باوجود نگرشی منفی به سیاست، به دلیل علاقه شخصی، وارد فعالیت سیاسی شود. در نتیجه، علاقه و نگرش همپوشانی

زنان نسبت به خانه‌داری از منظر دینی پرداخته و می‌کوشد با تکیه بر سه بُعد شناختی، عاطفی و رفتاری نگرش، راهکارهایی برای تقویت نگرش مثبت به این نقش ارائه دهد. این مقاله با روش توصیفی تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است و هدف آن، ارائه الگویی بومی، هویت‌محور و ارزشی برای ارتقاء جایگاه خانه‌داری در نگاه زنان مسلمان معاصر است.

نوآوری این پژوهش در تلفیق یافته‌های روان‌شناختی با آموزه‌های دینی و تمرکز مستقیم بر خانه‌داری به‌عنوان مصداقی مغفول در ادبیات دینی-تربیتی است. برخلاف اغلب مطالعات پیشین که یا نگاهی صرفاً جامعه‌شناختی، روان‌شناختی یا ساختاری داشته‌اند یا فاقد نگاه دینی و معنوی بوده‌اند، این پژوهش کوشیده است تا با رویکردی تلفیقی، نگاهی تازه به مسئله‌ای دیرینه و حساس ارائه دهد.

مفهوم شناسی نگرش

واژه «نگرش» که معادل انگلیسی آن Attitude است، در زبان فارسی به معانی مختلفی همچون نگاه کردن و دیدن (برهان، ۱۳۸۰، ص ۹۰۸)، نگرستن، بینش، نظر، ملاحظه، مشاهده (نفیسی، بی‌تا، ج ۵، ص ۳۷۶۳)، به‌دقت نظر کردن، توجه و التفات داشتن (دهخدا، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۳۰۳۶) آمده است.

در اصطلاح روان‌شناسی، نگرش تعاریف متعددی دارد. برای مثال، برخی نگرش را ارزشیابی جنبه‌های مختلف دنیای اجتماعی می‌دانند که دارای سه مؤلفه شناختی، عاطفی و تمایل به عمل است. (صفاری نیا و حسن‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۱۵) یکی از تعاریف جامع و موردقبول بیشتر روان‌شناسان، نگرش را چنین تعریف می‌کند: «روشی نسبتاً ثابت در فکر، احساس و رفتار نسبت به افراد، گروه‌ها و موضوع‌های اجتماعی؛ یا به‌صورت کلی‌تر، هرگونه حادثه‌ای در محیط فرد» (ترکان و کجباف، ۱۳۸۷، ص ۵۰).

به‌عبارت‌دیگر، نگرش، نظامی پایدار است که سه بُعد اصلی را دربر می‌گیرد: عنصر شناختی، عنصر احساسی و تمایل

تحلیل رویکردهای اسلامی در تقویت نگرش مثبت زنان به خانه‌داری

دارند اما یکسان نیستند؛ علاقه عمدتاً احساسی و فردمحور است، در حالی که نگرش ابعاد شناختی را نیز در برمی‌گیرد.

رابطه نگرش با عقیده یا باور

«عقیده» در لغت، از ریشه «عَقِدَ» به معنای گره زدن گرفته شده و به معنای آنچه فرد به آن یقین دارد آمده است (نفیسی، بی‌تا، ج 4، ص 2388؛ دهخدا، 1390، ج 2، ص 2004). در روان‌شناسی، باورها یا عقاید، اندیشه‌هایی هستند که فرد به درستی و حقانیت آن‌ها اعتقاد دارد. (کهساری و دیگران، 1400، ص 52). به عبارتی، باور نوعی پذیرش ذهنی بر اساس حقایق موردقبول است.

باورها می‌توانند صرفاً شناختی و فاقد جنبه عاطفی باشند؛ مانند باور به اینکه «کمر بند ایمنی از صدمه جلوگیری می‌کند»؛ اما اگر این باور با ارزش‌گذاری یا احساس همراه شود، به نگرش تبدیل می‌شود؛ مانند باور به خسیس بودن مردم شهری خاص که با بار احساسی همراه است (پی‌فرگاس، 1373، ص 319)؛ بنابراین، هر نگرشی دربرگیرنده باور است، اما هر باوری لزوماً نگرش نیست. نگرش، ترکیبی است از مؤلفه‌های شناختی (باور)، عاطفی (احساس) و رفتاری (تمایل به عمل) (ترکان و کجیاف، 1387، ص 50؛ کریمی، 1373، ص 295). بر این اساس، تغییر نگرش مستلزم بازسازی باورهای زیربنایی فرد است؛ چراکه نگرش‌ها بر پایه عقاید شکل می‌گیرند.

رابطه نگرش با نیت

در لغت، «نیت» به معنای اراده، عزم و قصد آمده (دهخدا، 1390، ج 2، ص 3080) و در اصطلاح، قصدی و اراده‌ای است درونی که انسان را به انجام عملی وامی‌دارد (خمینی، 1378، ص 157). در روایات نیز، ارزش هر عمل بر پایه نیت آن سنجیده می‌شود (جعفر بن محمد علیهما السلام، 1400 ق، ص 52)؛ اگر بانگیزه‌ای الهی یا خیرخواهانه باشد، ارزشمند است و گرنه بی‌ارزش خواهد بود. از منظر روان‌شناختی، نگرش فرد نسبت به یک رفتار، زمینه‌ساز نیت انجام آن رفتار است؛ به عبارتی،

هرچه نگرش مثبت‌تر باشد، احتمال شکل‌گیری نیت و اقدام عملی بیشتر می‌شود؛ بنابراین، نگرش و نیت دارای رابطه‌ای علی (نگرش) و معلولی (نیت) اند؛ نگرش مثبت می‌تواند نیت را در جهت‌گیری الهی و سازنده هدایت کند.

راهکارهای شکل‌گیری و تغییر نگرش در آموزه‌های دینی روان‌شناسان عوامل و شرایط گوناگونی را به‌عنوان زمینه‌های شکل‌گیری نگرش معرفی کرده‌اند که از جمله می‌توان به یادگیری از طریق تجربه (انباشت تجربه و تمایز بین نگرش‌ها در تجربیات جدید)، ضربه‌های عاطفی، تقلید از دیگران (ستوده، 1376، ص 147)، ارضای نیازهای شخصی، کسب اطلاعات بیشتر در مورد موضوع، احساس تعلق به یک گروه و ویژگی‌های شخصیتی فرد اشاره کرد (گولد و کولب، 1376، ص 862). این عوامل را می‌توان در چارچوب سه مؤلفه شناختی، عاطفی و رفتاری نگرش موردبررسی قرار داد. مطالعات صورت گرفته اثبات کرده است که این سه مؤلفه با یکدیگر رابطه معناداری دارند و نمی‌توان یکی را به‌عنوان مؤلفه اصلی یا مهم‌تر معرفی کرد. این یافته‌ها بر تعامل و هم‌افزایی میان مؤلفه‌ها تأکید دارند. (کاوپانی، 1387، ص 125)

از سویی دیگر آموزه‌های دینی به‌ویژه تعالیم قرآن کریم با تأکید بر ایمان و عمل صالح به‌عنوان ارکان اساسی سعادت انسان (عصر: ۲-۳)، نگرش‌های متعالی و هدفمند را ترویج می‌دهند. بر این اساس، می‌توان گفت نگرش مثبت که ریشه در ایمان دارد، زمینه‌ساز رفتارهای سازنده است. تعالیم اسلامی با ارائه راهبردهای همسو با مؤلفه‌های سه‌گانه نگرش، هماهنگی قابل‌توجهی با یافته‌های روان‌شناسی تربیتی در حیطه‌های شناختی، هیجانی و روانی-حرکتی نشان می‌دهند. این همپوشانی میان دیدگاه‌های روان‌شناختی و آموزه‌های دینی، چارچوبی جامع برای شکل‌دهی به نگرش‌های سالم و پایدار ارائه می‌کند.

درنهایت، با تطبیق مبانی علمی روان‌شناسی نگرش (ستوده،

فعالیت با اصول اعتقادی و معنوی او هم‌راستا می‌گردد و از یک وظیفه روزمره به یک عمل ارزشمند در جهت کمال معنوی تبدیل می‌شود.

روایات بسیاری درباره پاداش‌های اخروی مصادیق مختلف خانه‌داری وجود دارد که نقل دقیق همه آن‌ها از عهده این مقال خارج است اما برای مثال چند نمونه از آن‌ها نقل می‌شود مثلاً: پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌فرمایند: «هر زنی که در خانه شوهرش چیزی را به قصد اصلاح امور خانواده جابه‌جا کند، خداوند با نظر رحمت به او می‌نگرد و هر کس موردنظر رحمت خدا قرار گیرد، هرگز عذاب نخواهد شد» (ابن‌بابویه، ۱۳۷۶ ش، ص ۴۱۱).

در ماجرای از صدر اسلام، زنی از انصار به توصیه پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در خانه ماند و از شرکت در مراسم تدفین پدرش به دلیل اطاعت از شوهر خودداری کرد. پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پس از دفن پدرش فرمود: «خداوند به پاداش اطاعتی که از شوهرت کردی، تو و پدرت را آمرزید» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۵۱۳).

همچنین در حدیثی آمده است که: «با هر مکیدن شیر توسط نوزاد از سینه مادر، پاداشی معادل آزاد کردن بنده‌ای از فرزندان اسماعیل برای او نوشته می‌شود و با هر بار شیر دادن، تمامی گناهان او آمرزیده می‌شود» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۱، ص ۴۵۱).

این شواهد دینی، نقش خانه‌داری را از سطحی وظیفه محور به سطحی معنوی و الهی ارتقا می‌دهند و می‌توانند به‌عنوان یکی از مؤثرترین راهکارهای شناختی در اصلاح یا تقویت نگرش زنان نسبت به خانه‌داری به کار گرفته شوند.

2. توجیه شناختی نسبت به اولویت خانه‌داری نسبت به اشتغالات خارج از خانه

یکی از راهکارهای شناختی برای تغییر نگرش زنان نسبت به خانه‌داری، ایجاد آگاهی از دیدگاه دین نسبت به اولویت در

۱۳۷۶؛ گولد و کولب، ۱۳۷۶) با مبانی دینی، می‌توان به درکی عمیق‌تر از فرآیندهای شکل‌گیری نگرش‌های مثبت و راهکارهای ماندگارسازی آن‌ها دست‌یافت؛ رویکردی که می‌تواند در حوزه‌های نظری و کاربردی، به‌ویژه در آموزش و تربیت، راهگشای پژوهشگران و متخصصان باشد.

روش‌های ایجاد نگرش مثبت در زنان نسبت به خانه‌داری در ذیل به سه دسته از رویکردهای شناختی، رفتاری و عاطفی اشاره می‌شود که با استفاده از این‌ها، می‌توان نگرش مثبت زنان به خانه‌داری را تقویت کرد و باعث ایجاد یک محیط خانوادگی سالم و متعادل شد که در آن هم زنان و هم سایر اعضای خانواده از همدیگر حمایت می‌کنند.

رویکرد شناختی

رویکرد شناختی به تغییر باورهای منفی و تقویت باورهای مثبت نسبت به خانه‌داری می‌پردازد. روش‌های پیشنهادی از منظر منابع اسلامی عبارت‌اند از:

1. توجیه شناختی نسبت به پاداش‌های اخروی خانه‌داری

یکی از راهبردهای شناختی در تغییر نگرش نسبت به خانه‌داری، آگاه‌سازی زنان از پاداش‌های معنوی و اخروی این فعالیت است. این نوع از شناخت، می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر نگرش افراد، به‌ویژه زنان خانه‌دار، نسبت به نقش خود در خانه داشته باشد.

در منابع دینی، خانه‌داری نه‌تنها به‌عنوان یک فعالیت فیزیکی یا صرفاً خانوادگی شناخته نمی‌شود، بلکه جایگاهی معنوی و عبادی برای آن در نظر گرفته شده است. انجام وظایف خانگی، در بسیاری از روایات، با اعمالی چون جهاد، عبادت و بندگی خداوند مقایسه شده و برای آن پاداش‌های اخروی وعده داده شده است.

چنین نگاهی می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری یا تقویت نگرش مثبت به خانه‌داری شود، چراکه در ذهن فرد ارزشمندی این

تحلیل رویکردهای اسلامی در تقویت نگرش مثبت زنان به خانه‌داری

خانه ماندن و مذموم بودن اشتغال غیرضروری زنان در خارج از منزل است. در فرهنگ دینی، ماندن زن در خانه نه تنها توصیه شده، بلکه ارزشی والا به شمار آمده است. آیات قرآن از جمله «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ» (احزاب: ۳۳) بر حضور در خانه و پرهیز از خودنمایی تأکید دارند و آیه «فَإِسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» (احزاب: ۵۳) نیز اهمیت رعایت حریم در روابط اجتماعی را گوشزد می‌کند.

در روایات نیز خانه‌داری با ارزش‌هایی همچون بندگی و طاعت پیوند خورده است. حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) می‌فرماید: «نزدیک‌ترین حالت زن به خدا زمانی است که در خانه باشد» (ابن‌اشعث، بی‌تا، ص ۹۵). همچنین، هنگام تقسیم‌کار میان ایشان و حضرت علی (علیه‌السلام)، وقتی کارهای بیرون به علی (علیه‌السلام) و کارهای خانه به فاطمه (سلام‌الله‌علیها) واگذار شد، ایشان فرمودند: «خدا می‌داند چقدر خوشحال شدم که رسول خدا مرا از کار با مردان بی‌نیاز کرد» (حمیری، ۱۴۱۳ ق، ص ۵۲).

از دیدگاه دینی، اشتغال زنان به‌طور مطلق ممنوع نیست، اما در صورتی که منجر به از بین رفتن حجاب، آسیب به محیط خانواده یا غفلت از وظایف همسری و مادری شود، مذموم شمرده می‌شود. امام خمینی نیز تأکید می‌کند که بزرگ‌ترین وظیفه زن، شوهرداری و تربیت اسلامی فرزند است (خمینی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۳۴۸).

با چنین شناختی، زن می‌تواند خانه‌داری را صرفاً وظیفه‌ای روزمره نبیند، بلکه آن را نقشی معنوی، ارزشی و عامل رشد روحی و رضایت الهی تلقی کند. این تغییر نگاه، زمینه‌ساز شکل‌گیری نگرشی مثبت و پایدار نسبت به خانه‌داری خواهد بود.

3. تبیین ارتباط خانه‌داری با رشد معنوی

در متون اسلامی، خانه‌داری تنها یک فعالیت فیزیکی نیست، بلکه مجالی برای رشد روحی و تعالی شخصیت شمرده می‌شود.

ویژگی‌هایی مانند صبر، ایثار و مدیریت در خانواده، می‌توانند مسیر ارتقای معنوی زنان را هموار سازند. در روایتی آمده است سه گروه از زنان به سبب نقش‌آفرینی مثبت در خانواده، در قیامت در کنار حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) خواهند بود: زنی که در تنگدستی شوهر صبر کند، زنی که با بدخلقی همسر مدارا ورزد و زنی که مهر خود را به همسر نیازمندش ببخشد. (دیلمی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۱۷۵)

در حدیثی دیگر، میزان پاداش صبر زن بر بداخلاقی شوهر که معادل ثواب صبر آسیه، همسر فرعون، در برابر ظلم‌های او شمرده شده است (طبرسی، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۱۴). این روایات نشان می‌دهد که از منظر دین، خانه‌داری فرصتی برای آزمون و رشد معنوی است؛ مسیری که می‌تواند زن را به مراتب والای قرب الهی برساند.

4. ایجاد ناهماهنگی شناختی

بر اساس نظریه ناهماهنگی شناختی، زمانی که فرد بین باورها و رفتارهایش تعارضی احساس کند، دچار تنش روانی می‌شود و برای کاهش آن، تلاش می‌کند نگرش یا رفتارش را تغییر دهد (صفاری‌نیا و حسن‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۲۹). یکی از راه‌های کاهش این تعارض، بازسازی شناختی از طریق دریافت اطلاعات جدید است. برای نمونه، فردی با نگرش منفی به خانه‌داری، اگر باورهای دینی محکمی داشته باشد، با شنیدن آیات و روایاتی که خانه‌داری را عملی عبادی یا هم‌ردیف با جهاد می‌دانند، دچار ناهماهنگی شناختی می‌شود. این ناهماهنگی می‌تواند او را به بازنگری در نگرش خود وادار کند.

روایاتی مانند فرمایش حضرت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) که فرمود: «نزدیک‌ترین حالت زن به خدا، زمانی است که در خانه است» (ابن‌اشعث، بی‌تا، ص ۹۵)، یا سخن امام صادق (علیه‌السلام): «نیکو شوهرداری کردن، جهاد در راه خداست» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۹) و بیان امام کاظم (علیه‌السلام): «دادن جرعه‌ای آب به شوهر، برتر از یک سال

نگرش‌های فردی و اجتماعی است. این مفهوم، به معنای آموختن از رویدادها و تجربیات گذشته برای رسیدن از غفلت به آگاهی است (دهخدا، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۱۹۶۹) و می‌تواند ابزار قدرتمندی در بازسازی دیدگاه‌ها، به‌ویژه در موضوعاتی چون خانه‌داری باشد که گاه مورد غفلت فرهنگی قرار گرفته‌اند.

عبرت‌آموزی با الگوهای منفی تفاوت دارد؛ درحالی‌که عبرت‌آموزی به استخراج درس‌ها از نتایج و پیامدهای رویدادها یا تجربیات متمرکز است، الگوهای منفی به‌صورت مستقیم‌تر و با جزئیات بیشتر، نادرستی رفتارها و عواقب آن‌ها را نشان می‌دهند. هر دو می‌توانند در تغییر نگرش مؤثر باشند، به‌ویژه وقتی فرد متوجه شود نتایج بی‌توجهی به اصول درست، به سرنوشت‌های ناگوار منتهی می‌شود.

در قرآن کریم، عبرت‌آموزی جایگاه مهمی دارد. آیات متعددی به سرگذشت اقوام گذشته پرداخته‌اند و مؤمنان را به تأمل و درس‌گیری دعوت می‌کنند (آل عمران: ۱۳۷). از نمونه‌های روشن عبرت‌آموزی در قرآن، همسران حضرت نوح و حضرت لوط (علیهما السلام) هستند که علی‌رغم هم‌زیستی با پیامبران، به دلیل نافرمانی و انکار حق، به عاقبتی تلخ دچار شدند (تحریم: ۱۰). این داستان‌ها هشدار می‌دهند که جایگاه و نقش خانوادگی، تنها در صورتی ارزشمند است که با التزام به اصول الهی همراه باشد.

برای زنان خانه‌دار، تأمل در این سرگذشت‌ها می‌تواند بینشی عمیق‌تر از جایگاه خود در خانواده ایجاد کند؛ نافرمانی از مسیر الهی در زندگی خانوادگی، حتی در کنار افراد بزرگ، ممکن است نتایجی شبیه سرنوشت همسران پیامبران به دنبال داشته باشد.

7. قصه‌گویی

قصه در لغت به‌معنای داستان و حکایت است (دهخدا، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۱۷۸) و در قرآن نیز از واژه‌هایی چون قصص، حدیث، نبأ و میثیل برای اشاره به داستان‌های آموزنده استفاده شده است.

عبادت است» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۷۲)، نشان می‌دهند که نقش‌های خانگی از دیدگاه اسلام، ارزشمند و پاداش‌دار هستند.

چنین شناختی می‌تواند نگرش منفی نسبت به خانه‌داری را به نگرشی الهی و ارزش‌مدار تبدیل کند و به تغییر مثبت ذهنی و رفتاری بینجامد.

5. الگودهی^۱

الگودهی یکی از مؤثرترین شیوه‌های تغییر نگرش است که در متون دینی و سیره معصومان (علیهم‌السلام) به‌وفور یافت می‌شود. ایشان علاوه بر اینکه افرادی را به‌عنوان الگو و اسوه معرفی می‌کردند، خودشان نیز با رفتار و کردارشان برای مردم الگو بودند. در لغت، «الگو» به معنای سرمشق و اسوه آمده است (دهخدا، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۲۱)، اما در اصطلاحات مختلف، معنای آن کمی متفاوت است. در حوزه تعلیم و تربیت، الگو به نمونه یا مدلی از شکل‌ها یا رفتارها اطلاق می‌شود که افراد می‌توانند از آن تقلید کنند (حسینی نسب؛ علی اقدم، ۱۳۷۶، ص ۶۳۲). در روان‌شناسی اجتماعی نیز، الگو به فردی اطلاق می‌شود که کودکان یا افراد دیگر رفتار وی را تقلید می‌کنند (ساروخانی، ۱۳۸۰، ص ۶۴۰). در این راستا، ارائه الگوهای دینی می‌تواند نقش مهمی در تغییر نگرش زنان به خانه‌داری ایفا کند. آشنایی با زنانی که در سایه صبر، تلاش و ایمان، نقش خود را در خانه با افتخار ایفا کرده‌اند، موجب تقویت روحیه، آرامش خاطر و احساس معنا در فعالیت‌های خانگی می‌شود.

از آنجاکه انسان ذاتاً مایل به همانندسازی با الگوهای ملموس است، معرفی چنین شخصیت‌هایی، همراه با تبیین ابعاد مختلف زندگی‌شان، می‌تواند نگرش افراد را نسبت به خانه‌داری از وظیفه‌ای روزمره به مسئولیتی الهی و ارزشمند ارتقا دهد.

6. معرفی عبرت‌ها

عبرت‌آموزی یکی از روش‌های مؤثر در تغییر و اصلاح

1. Modeling

تحلیل رویکردهای اسلامی در تقویت نگرش مثبت زنان به خانه‌داری

این داستان‌ها با هدف هدایت و عبرت‌آموزی، نقش مهمی در انتقال مفاهیم دینی ایفا می‌کنند.

قصه‌گویی یکی از کهن‌ترین و مؤثرترین ابزارهای آموزشی در فرهنگ‌های مختلف است (فیروزی و زارعی جلیانی، ۱۴۰۲، ص ۱) و به‌ویژه به دلیل بار عاطفی، تصویرسازی ذهنی و ساختار روایی، می‌تواند بر ذهن و قلب مخاطب اثر عمیقی بگذارد. زمانی که فرد با شخصیت‌های داستان هم‌ذات‌پنداری می‌کند، به‌طور ناخودآگاه پیام‌های اخلاقی و اجتماعی را درونی می‌سازد (سهرابی فروزان و محمودی، ۱۴۰۲، ص ۸-۷). در حوزه خانه‌داری نیز قصه‌گویی می‌تواند ابزاری کارآمد باشد. روایت‌هایی از زندگی زنان بزرگی چون حضرت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) و حضرت زینب (سلام‌الله‌علیها) که با صبر، تلاش و عشق به خانواده زندگی می‌کردند، می‌تواند ارزش خانه‌داری را به‌صورت ملموس و الهام‌بخش نشان دهد. همچنین داستان‌های معاصر با تصویرسازی از زنان خانه‌دار خلاق، باعزت و تأثیرگذار، در اصلاح نگرش منفی نسبت به این نقش اجتماعی مؤثرند.

در مجموع، چه از طریق داستان‌های دینی و چه روایت‌های نوین، قصه‌گویی روشی ماندگار و اثرگذار برای ترویج نگرش مثبت به خانه‌داری است.

رویکرد عاطفی

رویکرد عاطفی به ایجاد احساسات مثبت و کاهش احساسات منفی نسبت به خانه‌داری می‌پردازد. متون اسلامی، روش‌های زیر را برای تقویت این بعد پیشنهاد می‌کنند:

1. ایجاد احساس ارزشمندی

یکی از مؤثرترین راهکارهای عاطفی برای تغییر نگرش زنان نسبت به خانه‌داری، ایجاد احساس ارزشمندی یا نوعی عزت‌نفس است؛ یعنی زن درک کند که فعالیت‌های خانگی‌اش از منظر دینی و اجتماعی، جایگاهی والا و معنایی عمیق دارد. احساس خودارزشمندی که در روان‌شناسی با مفهوم عزت‌نفس

شناخته می‌شود، تأثیری مستقیم بر سلامت روان، انگیزه و کیفیت زندگی دارد (حق‌شناس آدرمنابادی، ۱۴۰۱، ص ۸۰). در نگاه اسلامی، حتی فعالیت‌های روزمره و مباح، اگر با نیت خالصانه و برای رضای خدا انجام شوند، عبادت محسوب می‌شوند. وقتی زنان دریابند که کارهای خانگی نه تنها بی‌ارزش نیست، بلکه پاداش معنوی دارد، مثلاً ثواب جهاد در راه خدا را دارد. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۹) به‌طور طبیعی احساس آرامش، رضایت و موفقیت بیشتری در انجام آن خواهند داشت. در این نگرش، رضایت الهی، حس افتخار و معنویت را به کارهای خانه می‌بخشد و آن را از یک وظیفه تکراری به عملی مقدس و انگیزه‌بخش تبدیل می‌کند. همچنین در آموزه‌های اسلامی، منزلت زن و مادر جایگاهی بسیار رفیع دارد. یا فرمایش پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله): «بهشت زیر پای مادران است» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۵، ص ۱۸۰). این حدیث، فعالیت زن در خانه را نه تنها بی‌ارزش نمی‌داند، بلکه آن را در شمار عبادات پرفضیلت قرار می‌دهد.

تبیین این روایات عزت‌بخش، می‌تواند در زنان احساس افتخار و ارزشمندی ایجاد کند و آنان را با انگیزه‌ای بیشتر و روحیه‌ای مثبت‌تر به انجام نقش‌های خانوادگی ترغیب نماید.

2. تقویت حس رضایت از خانه‌داری

از دیدگاه روان‌شناسی، احساس علاقه و رضایت، هیجان‌هایی مثبت هستند که در صورت معنا یافتن فعالیت‌ها، به ایجاد انگیزه درونی، نشاط و رشد فردی منجر می‌شوند (هاشمی، ۱۳۹۱، ص ۴۴)؛ بنابراین، اگر همان‌طور که در رویکرد قبلی بدان اشاره شد، خانه‌داری از منظر معنوی و ارزشمند نگریسته شود، می‌تواند به منبعی عمیق از آرامش، رضایت و تعالی درونی تبدیل گردد.

یکی از عوامل مهم در ایجاد این حس، رفتار محبت‌آمیز همسر است. گفتارهای عاشقانه و احترام‌آمیز از سوی مرد، نقش مهمی در افزایش عزت‌نفس و رضایت زن از نقش‌های خانوادگی دارد.

شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»؛ یعنی: «با آنان [زنان‌تان] به نیکی رفتار کنید» (نساء: ۱۹). مفسران، این آیه را دعوتی به تعامل همه‌جانبه، از جمله قدردانی، همراهی و احترام به تلاش‌های همسر دانسته‌اند (طبرسی، ۱۴۰۸، ق، ج ۳، ص ۳۸).

امام سجاد (علیه‌السلام) نیز در توصیه‌ای به فرزند خود می‌فرماید: «پسرم، از کسی که به تو نعمتی داده، سپاسگزاری کن؛ زیرا نعمت با شکر باقی می‌ماند و با ناسپاسی از بین می‌رود» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ق، ج ۱۶، ص ۳۱۳). این آموزه نشان می‌دهد که قدردانی، عامل پایداری نعمت‌ها و دلگرمی افراد است؛ و در مقابل، ناسپاسی می‌تواند به دلسردی و افت انگیزه منجر شود.

بنابراین، نهادینه‌سازی فرهنگ قدردانی در محیط خانواده و جامعه، گامی مؤثر در تغییر نگرش عمومی به خانه‌داری و تقویت جایگاه زن در خانواده است.

4. ایجاد امنیت عاطفی و آرامش در محیط خانه

در آموزه‌های اسلامی، خانه به‌عنوان محیطی برای آرامش روانی و عاطفی معرفی شده است. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا... تا نزد او [همسر] آرامش یابید.» (روم: ۲۱) این آیه تأکید دارد که خانه باید محلی برای آرامش باشد. وقتی زنان احساس کنند که محیط خانه امن و آرام است، با انگیزه و روحیه‌ای مثبت‌تر به انجام وظایف خانه‌داری خواهند پرداخت. برای ایجاد آرامش در منزل، توصیه‌های زیادی در متون دینی وجود دارد. یاد خدا و فضای معنوی خانه یکی از مهم‌ترین عواملی است که باعث آرامش روحی اعضای خانواده، به‌ویژه زنان می‌شود. قرآن و روایات معصومین به این نکته اشاره دارند که یاد خدا باعث روشنی دل‌ها و آرامش می‌شود: «یاد خدا، روشنی سینه‌ها و آرامش دل‌هاست.» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ ق، ص ۳۶۹)

همچنین، ایمان به خدا و تقویت آن میان زوجین باعث ایجاد

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در این زمینه فرموده‌اند: «این سخن مرد که به همسرش بگوید «تو را دوست دارم»، هرگز از قلب همسرش خارج نخواهد شد.» (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ج ۵، ص ۵۶۹)

در سیره اهل‌بیت (علیهم‌السلام) نیز این محبت کلامی و رفتاری به‌وضوح دیده می‌شود. مثلاً امام حسین (ع)، در ابیاتی زیبا، مهر و محبت خود را نسبت به همسر و دخترش چنین ابراز می‌داشتند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ج ۴۵، ص ۲۷)

این سطح از ابراز محبت که با احترام و فداکاری همراه است، می‌تواند در زنان حس ارزشمندی و افتخار نسبت به نقش خانه‌داری ایجاد کند و ایشان را باروحيه‌ای بالاتر و انگیزه‌ای درونی‌تر در ایفای نقش‌های خانوادگی یاری رساند.

3. تقدیر و تشکر از تلاش‌های زنان

یکی از مؤثرترین راهکارهای عاطفی برای تقویت نگرش مثبت زنان نسبت به خانه‌داری، تقدیر و قدردانی اعضای خانواده، به‌ویژه همسر، از زحمات آنان است. این رفتار ساده اما عمیق، نه تنها عزت‌نفس و احساس ارزشمندی زنان را تقویت می‌کند، بلکه رضایت درونی آنان را افزایش داده و پیوندهای خانوادگی را مستحکم‌تر می‌سازد.

از منظر روان‌شناسی، قدردانی نیرویی محرک در تقویت انگیزه و کاهش فشار روانی ناشی از مسئولیت‌های خانه‌داری است (امین‌فر، ۱۳۹۳، ص ۱۳۷). حتی یک جمله محبت‌آمیز یا یک تشویق ساده از سوی همسر و فرزندان - به‌عنوان مخاطبان اصلی خدمات خانه - می‌تواند نقش مهمی در دلگرمی زن نسبت به نقش خود ایفا کند. افزون بر این، قدردانی از مادر و همسر، برای فرزندان نقش الگویی خواهد داشت. کودکانی که در فضایی سرشار از احترام به نقش‌های خانوادگی رشد می‌کنند، در آینده نیز نگرشی مثبت نسبت به خانه‌داری و مشارکت در امور خانواده خواهند داشت.

در آموزه‌های دینی نیز، توجه به رفتار محبت‌آمیز با همسر تأکید

تحلیل رویکردهای اسلامی در تقویت نگرش مثبت زنان به خانه‌داری

امنیت عاطفی در خانه می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۴۷). از سوی دیگر، تأمین مایحتاج زندگی زن، یکی دیگر از عوامل مهم آرامش است. زمانی که زنان احساس کنند نیازهای زندگی‌شان تأمین شده است، راحت‌تر و با آرامش بیشتری به خانه‌داری می‌پردازند: «همانا نفس آدمی هنگامی که مایحتاج زندگی‌اش تأمین شد، آرام می‌گیرد.» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۸۹)

یکی از عوامل مؤثر دیگر، رفتار محبت‌آمیز و احترام‌آمیز است که به امنیت عاطفی کمک می‌کند. در زندگی زناشویی، محبت کلید اصلی روابط است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «محبت به زنان از اخلاق انبیاست.» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۲۲)

درنهایت، ایجاد فضای امن و آرام در خانه باعث می‌شود که زنان خانه‌داری را نه تنها یک وظیفه، بلکه مسئولیتی ارزشمند و رضایت‌بخش بدانند. این نگرش، انگیزه و علاقه بیشتری برای ادامه این مسیر در آن‌ها ایجاد می‌کند که به‌طور مستقیم به بهبود روابط خانوادگی و تقویت روحیه افراد کمک می‌کند.

رویکرد رفتاری

برای تقویت نگرش مثبت زنان نسبت به خانه‌داری، می‌توان از رویکردهای گوناگون اسلامی بهره گرفت؛ رویکردهایی که به بهبود شرایط و ایجاد فضایی حمایتگر برای زنان کمک می‌کنند. خانواده‌ها و به‌ویژه مردان، از طریق رفتارها و اقدامات خود می‌توانند محیطی فراهم آورند که در آن زنان خانه‌داری را مسئولیتی ارزشمند و محترم تلقی کنند و انگیزه بیشتری برای انجام آن داشته باشند.

گرچه برخی رویکردهای پیشین دووجهی بودند -مانند حمایت مالی، عاطفی و معنوی، یا قدردانی از تلاش‌های زنان- که افزون بر جنبه عاطفی، نوعی رفتار مؤثر از سوی مردان نیز به شمار می‌رفتند؛ در ادامه به شماری از این رویکردهای رفتاری اشاره می‌شود:

۱. تمرین خانه‌داری از کودکی

یکی از راهکارهای رفتاری مؤثر در ایجاد نگرش مثبت نسبت به خانه‌داری در زنان، آموزش این مهارت از دوران کودکی است. کودکی، دوران شکل‌گیری شخصیت و نگرش‌هاست و تجربیات اولیه نقش تعیین‌کننده‌ای در این فرآیند دارند.

در این سنین، یادگیری بیشتر از طریق مشاهده، تکرار و تقلید اتفاق می‌افتد تا استدلال و تحلیل منطقی. (شعاری نژاد، ۱۳۸۷، ص ۱۸۳) از نگاه روان‌شناسی، تمرین مداوم در دوران کودکی باعث نهادینه شدن رفتارها می‌شود. (گنجی، ۱۳۹۳، ص ۴۰)

خداوند ویژگی‌ای در تکرار اعمال قرار داده که انسان به‌مرور با آن‌ها خو می‌گیرد به‌این‌ترتیب که تکرار عمل ابتدا به حالت سپس به عادت و درنهایت به ملکه تبدیل می‌شود و این ملکات هستند که شخصیت و جهت زندگی انسان را شکل می‌دهند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ص ۴۲۴) و این فرآیند در کودکان، به دلیل انعطاف‌پذیری ذهنی و روانی، سریع‌تر شکل می‌گیرد.

در نظریه شرطی‌سازی کلاسیک، وقتی یک رفتار با پیامدهای مثبت همراه می‌شود، فرد نسبت به آن رفتار نگرشی مثبت پیدا می‌کند (گنجی، ۱۳۹۳، ص ۴۰). در شرطی‌سازی کنشگر نیز، پیامدهای خوشایند مانند تحسین، تشویق یا احساس موفقیت، به‌مرور رفتار را تقویت و درنهایت درونی می‌سازد (همان، ص ۴۳). به‌عنوان مثال، اگر دختر بچه‌ای در نتیجه کمک به مادر در خانه مورد تشویق قرار گیرد یا احساس غرور و تعلق تجربه کند، نه‌تنها این رفتار برایش ارزشمند می‌شود، بلکه نگرش مثبتی نیز نسبت به آن پیدا می‌کند.

از منظر دینی، قرآن کریم اهمیت تربیت فرزندان از سنین پایین را در گفتار لقمان حکیم چنین بیان می‌کند: «يَا بُنَيَّ لَا تَشْرِكْ بِاللَّهِ...» (لقمان: ۱۳) و «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ...» (لقمان: ۱۷) همچنین، آموزه‌های فقهی و اخلاقی اسلام

حضرت علی (علیه السلام) و امور داخلی خانه مانند آسیاب کردن گندم، پخت و پز و نظافت به عهده حضرت فاطمه (سلام الله علیها) گذاشته شد. (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۴۹۴)

در همین راستا، امام صادق (علیه السلام) نیز می فرمایند: «علی (علیه السلام) همیزم جمع می کرد و خانه را تمیز می نمود، فاطمه (سلام الله علیها) آرد می کرد و نان می پخت.» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۸۶)

ویژگی مهم این تقسیم وظایف، انعطاف پذیری و روحیه مشارکت میان آن دو بزرگوار بود. در زمان نیاز، هرکدام در مسئولیت های دیگری سهم می شدند؛ حضرت علی (علیه السلام) در کارهای خانه کمک می کردند و حضرت زهرا (سلام الله علیها) نیز در غیاب همسر، در امور بیرونی مشارکت داشتند؛ بنابراین، هم آموزه های دینی و هم نظریات روان شناسی بر این نکته تأکید دارند که تقسیم عادلانه وظایف، نه تنها به کاهش فشار روانی کمک می کند، بلکه بستری مناسب برای شکل گیری نگرش مثبت، انگیزه درونی و رضایت پایدار در زنان نسبت به نقششان در خانواده فراهم می سازد.

3. مشارکت و همکاری مرد در کارهای خانه

یکی از مؤثرترین راهکارهای رفتاری برای ایجاد نگرش مثبت در زنان نسبت به خانه داری، مشارکت فعال و هدفمند مردان در امور خانه است. این همکاری نه تنها نشانه ای از احترام، محبت و همدلی با همسر است، بلکه الگویی روشن از تعامل سالم، مسئولیت پذیری و عدالت در زندگی خانوادگی به شمار می آید که فضای خانه را از حالت سلطه جویانه خارج کرده و به محیطی آرام، صمیمی و بر پایه عدالت بدل می سازد.

از منظر روان شناسی خانواده، حضور و همکاری مرد در کارهای خانه، فشارهای روانی و جسمی زنان را کاهش داده و باعث تقویت پیوند عاطفی میان زوجین و افزایش رضایت زناشویی می شود. در چنین شرایطی، زن احساس می کند که تنها

همواره بر تمرین و استمرار در انجام اعمال تربیتی تأکید دارند؛ مانند نماز که به صورت روزانه واجب شده و ذاتاً تمرینی مداوم برای پرورش روح و نظم است.

بنابراین، مشارکت دادن دختران در امور خانه از سنین پایین، نه تنها مهارت آن ها را در انجام وظایف خانوادگی افزایش می دهد، بلکه از طریق تجربه های عاطفی مثبت، تکرار و تقویت، موجب شکل گیری نگرش مثبت و پایدار نسبت به خانه داری در بزرگسالی خواهد شد.

2. تقسیم عادلانه مسئولیت ها

یکی از عوامل کلیدی در کاهش فشار روانی زنان و ایجاد نگرش مثبت نسبت به خانه داری، تقسیم منصفانه وظایف میان زن و مرد در خانواده است. در این نگاه، خانه داری یک مسئولیت مشترک و برخاسته از همکاری و تفاهم متقابل است، نه باری یک طرفه بر دوش زن.

از دیدگاه روان شناسی، چنین تقسیم کاری می تواند موجب افزایش احساس ارزشمندی در زنان، تقویت روابط عاطفی میان زوجین و ارائه الگویی سالم و مثبت به فرزندان شود. این همکاری، نشانه ای از همدلی و عدالت در زندگی خانوادگی است. (یوسلیانی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۱۲۶) در حیطه خانواده درمانی نیز، تقسیم مسئولیت ها یکی از عوامل مؤثر در بهبود تعاملات، کاهش تعارض ها و ارتقاء عملکرد کلی خانواده به شمار می رود. (بهمنی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۳۹۴-۳۹۳) اسلام نیز نگاهی متعادل و واقع بینانه به نقش های زن و مرد در خانواده دارد. در این چارچوب، خانه داری وظیفه منحصر به فرد زن نیست، بلکه مسئولیتی است که بر اساس شرایط، توانایی ها و توافق دو طرف قابل تقسیم است.

یکی از الگوهای روشن در این زمینه، زندگی مشترک حضرت علی (علیه السلام) و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) است. طبق روایات معتبر، با مشورت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، کارهای بیرون از خانه مانند تأمین مایحتاج و سوخت به عهده

تحلیل رویکردهای اسلامی در تقویت نگرش مثبت زنان به خانه‌داری

نیست و زحماتش دیده می‌شود؛ این تجربه عاطفی، خانه‌داری را از یک وظیفه خسته‌کننده به مسئولیتی مشترک، ارزشمند و انگیزه‌بخش تبدیل می‌کند. (آقاجانی، ۱۳۸۱، ص ۵۸)

در نگاه دینی نیز، اصل تعاون که در آیه «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى» (مائده: ۲) آمده است، شامل فضای خانه هم می‌شود. خانه، به‌عنوان نخستین بستر رشد انسان، یکی از روشن‌ترین مصادیق برّ و تقوا است و نیازمند همکاری دوجانبه برای حفظ آرامش، تربیت و همزیستی سازنده است.

سیره پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) بهترین الگو در این زمینه است. ایشان با اینکه پیامبر خدا بودند، در امور خانه مشارکت می‌کردند؛ در را به روی میهمانان می‌گشودند، خانه را جارو می‌زدند، با دست خود گوشت خرد می‌کردند، شیر می‌دوشیدند و گندم آسیاب می‌کردند. (ابن شهر آشوب، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۲۶) این سیره نشان می‌دهد که مشارکت در خانه نه‌تنها از شأن مرد نمی‌کاهد، بلکه نشانه‌ای از بزرگواری، عدالت و عشق است.

همچنین، در زندگی حضرت علی (علیه‌السلام) و حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها)، اگرچه کارهای خانه و بیرون از خانه با مشورت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) تقسیم‌شده بود، اما هر دو در صورت نیاز در امور یکدیگر مشارکت می‌کردند. حضرت علی (علیه‌السلام) در کارهای خانه مانند نظافت منزل (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۸۶) و نگهداری از فرزندان (المتقی الهندی، ۱۴۰۵ ق، ج ۱۵، ص ۵۰۷) کمک می‌کردند و حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) نیز در غیاب همسر، کارهای بیرونی را بر عهده می‌گرفتند. (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱۸، ص ۴۹۴)

بر اساس این شواهد دینی، روان‌شناختی و رفتاری، می‌توان گفت که مشارکت مردان در امور خانه، نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد حمایت روانی، تقویت همبستگی خانوادگی و ایجاد نگرش مثبت زنان نسبت به خانه‌داری دارد. در این نگاه، خانه نه میدان تقابل نقش‌ها، بلکه صحنه‌ای برای هم‌افزایی، همدلی

و همکاری است.

4. تحمیل به نفس

یکی از رویکردهای کاربردی برای اصلاح نگرش‌های نادرست، استفاده از تغییر رفتار به‌عنوان عامل دگرگونی ذهنی است. نظریه ناهمخوانی شناختی فستینگر در روان‌شناسی بر این اصل تأکید دارد که ناسازگاری میان باور و رفتار، نوعی تنش روانی ایجاد می‌کند. برای کاهش این تنش، فرد یا نگرش خود را تغییر می‌دهد یا رفتارش را. در بسیاری از موارد، تداوم رفتار جدید منجر به تغییر تدریجی نگرش فرد می‌شود. (آکار و دیگران، ۱۴۰۰، ص ۱۰) مثلاً زنی که در ابتدا انگیزه‌ای برای خانه‌داری ندارد، اگر این کار را با نیت آگاهانه و به‌صورت مستمر انجام دهد، به‌مرور احساس معنا، رضایت و تعلق خاطر نسبت به آن پیدا می‌کند. به‌عبارتی، رفتار می‌تواند سازنده نگرش باشد، نه فقط محصول آن.

در متون اسلامی نیز بر این اصل تأکید شده است. امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «اگر بردبار نیستی، بردباری را پیشه کن، چراکه کسی که خود را شبیه گروهی کند، به‌زودی از آنان خواهد شد.» (نهج البلاغه، حکمت ۲۰۷) این بیان نشان می‌دهد که تظاهر آگاهانه به رفتار نیکو، به درونی‌سازی آن می‌انجامد.

بر این اساس، برای دستیابی به نگرش مثبت نسبت به خانه‌داری، الزامی نیست که فرد در آغاز انگیزه‌ای قوی داشته باشد؛ بلکه کافی است زن یا مرد، با نیت اصلاح نگرش، خود را به انجام رفتارهای درست وادار کند. این رفتارها در طول زمان به عادت و سپس به ملکه تبدیل شده و در نهایت نگرش فرد را نیز تغییر خواهند داد.

5. مشاهده و تقلید

یکی از مؤثرترین راهکارهای رفتاری-شناختی برای تغییر نگرش زنان نسبت به خانه‌داری، مشاهده و تقلید آگاهانه یا ناآگاهانه از الگوهای مثبت است. این روش، هم در نظریه‌های

روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و هم در متون دینی جایگاه ویژه‌ای دارد.

طبق نظریه یادگیری اجتماعی «آلبرت بندورا»، افراد از طریق دیدن رفتار دیگران و تأثیرپذیری از آن‌ها، نگرش و رفتار خود را شکل می‌دهند. این فرآیند از چهار طریق اتفاق می‌افتد:

- مدل‌سازی: مشاهده رفتار یک زن موفق در خانه‌داری، می‌تواند منجر به تقلید و درونی‌سازی آن شود.
- تقویت غیرمستقیم: دیدن پاداش دیگران برای رفتار خاص، موجب نگرش مثبت به آن رفتار می‌شود.
- تأثیرپذیری از افراد مهم: مثل والدین، معلمان، دوستان یا چهره‌های رسانه‌ای.

- رسانه‌ها و فضای مجازی: رسانه‌ها با تکرار یک سبک زندگی، نقش مؤثری در شکل‌گیری نگرش‌ها دارند. (شقایق و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۴۰-۲۴۴)

در علم جامعه‌شناسی جنایی نیز، نظریه «هم‌نشینی افتراقی» از «ساترلند» تأکید دارد که قرار گرفتن در جمع افرادی با نگرش مثبت نسبت به یک موضوع، احتمال درونی‌سازی آن نگرش را افزایش می‌دهد. (متولی‌زاده نایینی، ۱۳۹۶: ۱۴۳-۱۴۷)

مطالعات نشان می‌دهند که مطابق با نظریه اثر هم‌گروهی تأثیر هم‌سالان و دوستان نیز به‌ویژه در سنین جوانی، بسیار بالاست. (چمنی و دیگران، ۱۳۹۷)

قرآن کریم نه‌تنها بر لزوم تأثیرپذیری بر الگوهای شایسته تأکید کرده است بلکه الگوهای شایسته‌ای را هم به عالم معرفی نموده است مثل حضرت رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله). (احزاب: 21) از سوی دیگر حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) را می‌توان نماد زن موفق در خانه‌داری، تربیت فرزند و تعهد خانوادگی دانست که الگوبرداری از سیره ایشان می‌تواند الهام‌بخش نگرش مثبت و معنوی به خانه‌داری باشد.

درباره تأثیر هم‌نشینی بر نگرش افراد امام سجاد (علیه‌السلام) می‌فرمایند: «هم‌نشینی با صالحان انسان را به‌سوی صلاح و

خیر می‌کشاند؛ و معاشرت و هم‌صحبت شدن با علماء، سبب افزایش شعور و بینش است.» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ۱: 20) یعنی درنهایت منجر به تغییر یا اصلاح نگرش خواهد شد. ازاین‌رو قرآن هشدار می‌دهد که انتخاب دوستان نادرست، مایه حسرت خواهد بود (فرقان: ۲۸) چراکه موجب تغییر نگرش و رفتار فرد می‌شود.

بنابراین، مشاهده، هم‌نشینی و الگوبرداری از افراد صالح و موفق، ابزاری مؤثر برای اصلاح نگرش‌ها، از جمله نگرش نسبت به خانه‌داری است. این فرآیند، در صورت استمرار و آگاهی، می‌تواند به تغییرات عمیق ذهنی و رفتاری منجر شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به آموزه‌های اسلامی، خانه‌داری نه صرفاً یک فعالیت روزمره، بلکه نقش و مسئولیتی کلیدی در نظام خانواده و جامعه اسلامی به‌شمار می‌آید. بررسی حاضر با تمرکز بر سه رویکرد شناختی، عاطفی و رفتاری، تلاش نمود تا با تبیین مبانی دینی و روان‌شناختی، راهکارهایی برای ایجاد و تقویت نگرش مثبت در زنان نسبت به خانه‌داری ارائه دهد.

در رویکرد شناختی، محور اصلی بر اصلاح نگرش از طریق ارائه تبیین‌های معرفتی است. از جمله می‌توان به تأکید بر پاداش‌های اخروی خانه‌داری، مذموم بودن برخی اشتغال‌های خارج از خانه در متون دینی و پیوند دادن این نقش با رشد معنوی و تعالی روح اشاره کرد. همچنین استفاده از روش‌هایی همچون ایجاد ناهماهنگی شناختی، الگودهی از زنان الگو در تاریخ اسلام، معرفی عبرت‌ها و روایت قصه‌ها، به‌عنوان ابزارهایی مؤثر در اصلاح و بازسازی نگرش‌ها مطرح شده‌اند.

در بُعد عاطفی، تقویت احساس ارزشمندی زنان در نقش خانه‌داری، افزایش حس رضایت از انجام امور خانه، قدردانی صریح و عملی از تلاش‌های آنان و ایجاد فضایی آکنده از امنیت و آرامش روانی در محیط خانواده، از راهکارهای مؤثر معرفی شده است. این عوامل عاطفی نه‌تنها موجب استحکام

تحلیل رویکردهای اسلامی در تقویت نگرش مثبت زنان به خانه‌داری

پیوندهای خانوادگی می‌گردند، بلکه نقش خانه‌داری را از منظر روانی به امری دلخواه و رضایت‌بخش تبدیل می‌کنند. در نهایت، رویکرد رفتاری با تأکید بر آموزش عملی و تدریجی، به‌ویژه از سنین پایین، تلاش می‌کند خانه‌داری را به‌عنوان یک مهارت و وظیفه اجتماعی نهادینه سازد. تمرین تدریجی، تقسیم عادلانه مسئولیت‌ها در خانواده، مشارکت فعال مرد در امور خانه، تحمیل تکلیف به نفس در جهت رشد شخصیت و مشاهده و تقلید از الگوهای موفق، از جمله راهکارهای عملی این حوزه محسوب می‌شوند. در مجموع، تحلیل رویکردهای سه‌گانه مذکور نشان می‌دهد که نگرش مثبت به خانه‌داری در زنان، امری قابل برنامه‌ریزی، آموزشی و تقویت‌پذیر است. بهره‌گیری هم‌افزا از مبانی اسلامی در کنار اصول روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، می‌تواند به ارتقاء جایگاه خانه‌داری در نگاه زنان کمک کرده و این وظیفه را از امری تحمیلی به نقشی الهی، رشد دهنده و عزتمند تبدیل نماید. در نهایت، بازتعریف نقش خانه‌داری در افکار عمومی، نیازمند حمایت فرهنگی، نهادینه‌سازی آموزه‌های دینی و الگوسازی اجتماعی است.

Reference

1. ابن شهر آشوب، (بی‌تا)، مناقب آل‌ابی طالب، تصحیح، شرح و مقابله: لجنة من أساتذة النجف الأشرف، بی‌جا، النجف الأشرف: المكتبة الحیدریة، المطبعة الحیدریة
2. ابن منظور، محمد بن مکرم، (بی‌تا)، لسان العرب (۱۵ جلد)، بیروت - لبنان: دار الفکر
3. ابن‌اشعث، محمد بن محمد، (بی‌تا)، الجعفریات (الأشعثیات)، چاپ اول، تهران: مکتبة‌النینوی‌الحدیثة
4. ابن‌بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۶ ش)، الأمالی (للصدوق)، چاپ ششم، تهران: کتلیچی
5. ابن‌بابویه، محمد بن علی، (۱۴۰۳ ق)، معانی الأخبار، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
6. امین‌فر، صبورا، (۱۳۹۳)، بررسی نگرش زنان جوان درباره منزلت نقش خانه‌داری، فصل‌نامه دین و سیاست فرهنگی، شماره ۲، ۱۲۱-۱۴۱
7. آقاچانی، نصرالله، (۱۳۸۱)، مشارکت‌پذیری اعضای خانواده، مطالعات راهبردی زنان، ۱۶، ۶۴-۵۲
8. برهان، محمدحسین بن خلف، (۱۳۸۰)، فرهنگ فارسی برهان قاطع (۱ جلد)، تهران: نیما، بی‌جا
9. بشیریان، سعید، ساعتی عصر، محمدحسن، براتی، مجید، شکری، زلیخا، امدادی، شهره، فلاح، فاطمه، احمدی، خدیجه، (۱۳۹۷)، ارتباط نگرش مذهبی و سلامت روانی دانشجویان دانشگاه‌های شهر همدان، مجله دانشگاه علوم پزشکی تربت‌حیدریه تربت‌حیدریه، دوره ۶، شماره ۱، ۴۵-۳۷
10. بهمنی، محمود، فلاح‌چای، سیدرضا، زارعی، اقبال، (۱۳۹۰)، بررسی و مقایسه عدالت بین زوجین رضایتمند و دارای تعارض، فصل‌نامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال اول، شماره ۳، ۳۸۲-۳۹۸
11. بهنر، جرد، وانکناشر، میکائیل، (۱۳۸۴)، نگرش و تغییر آن‌ها، ترجمه علی مهداد، چاپ اول، تهران: جنگل
12. تمیمی آمدی، عبد‌الواحد بن محمد، (۱۴۱۰ ق)، غرر الحکم و غرر الحکم و درر الکلم، تصحیح: سیدمهدی رجائی، چاپ دوم، قم: دار‌الکتاب‌الاسلامی
13. چمنی، رضا، باقریان، فاطمه، شکری، امید، (۱۳۹۷)، تأثیر هم‌رنگی اجتماعی بر تصمیم‌گیری در موقعیت ریسک و عدم قطعیت دانشجویان، پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، شماره ۱، ۱-۱۶
14. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)، وسائل الشیعة (۳۰ جلد)، تحقیق: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام
15. حسینی نسب، سید داود، علی‌اقدام، اصغر، (۱۳۷۶)، فرهنگ واژه‌ها، تعاریف و اطلاعات تعلیم و تربیت، چاپ اول، تهران: احرا

16. حق شناس آذرمنابادی، محمدحسین، عرب‌پور، مصطفی، طاهری، نفیسه، (۱۴۰۱)، بررسی تطبیقی خودارزشمندی از دیدگاه اسلام و روان‌شناسی، پژوهش‌های روان‌شناسی اسلامی، ۵(۱)، ۱۰۲-۷۹
17. حمیری، عبدالله بن جعفر، (۱۴۱۳ ق)، قرب الإسناد، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البتین علیهم‌السلام
18. خمینی، روح‌الله، (۱۳۷۲)، استفنات (للإمام الخميني) (۳ جلد)، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
19. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۹۰)، لغت‌نامه دهخدا (۲ جلد)، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران
20. دیلمی، حسن بن محمد، (۱۴۱۲ ق)، إرشاد القلوب إلى الصواب (للدیلمی) (۲ جلد)، چاپ اول، قم: الشریف‌الرضی
21. رضائی، جعفر، سلیمی، نگین، (۱۳۸۳)، رابطه بین نگرش فرد نسبت به خود و نگرش فرد نسبت به دیگران، مطالعات مدیریت صنعتی، دوره ۲، شماره ۶، ۱۰۶-۸۹
22. ساروخانی، باقر، (۱۳۸۰)، دایرة المعارف علوم اجتماعی، چاپ سوم، تهران: کیهن
23. ستوده، هدایت‌الله، (۱۳۷۶)، درآمدی بر روان‌شناسی اجتماعی، چاپ سوم، تهران: آوای نور
24. سهرابی‌فروزان، حسین، محمودی، محمد، (۱۴۰۲)، مطالعه اثربخشی قصه‌درمانی در کاهش ترس کودکان، دهمین همایش ملی تازه‌های روان‌شناسی مثبت‌بندبرعباس
25. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، (۱۳۸۷)، روان‌شناسی رشد، بی‌چاپ، تهران: دانشگاه پیام نور
26. شقاقی، فرهاد، آقاییوسفی، علیرضا، ارکانی، ابراهیم، کرباسی، منیژه، مجدآبادی‌فراهانی، زهره، علی‌پور، احمد، علی‌اکبری‌دهکردی، مهناز، زارع، حسین، پولادی‌ریشه‌ری، الله‌کرم، پناهی‌شهری، محمود، (۱۳۸۷)، روان‌شناسی عمومی، جلد ۱، چاپ اول، تهران: دانشگاه پیام‌نور
27. صفاری‌نیا، مجید، حسن‌زاده، پرستو، (۱۳۹۱)، فرهنگ واژه‌های روان‌شناسی اجتماعی، چاپ اول، تهران: کتاب‌ارجمند
28. طبرسی، حسن بن فضل، (۱۴۱۲ ق / ۱۳۷۰ ش)، مکارم الأخلاق، چاپ چهارم، قم: شریف‌رضی
29. طبرسی، فضل‌بن‌حسن، (۱۴۰۸-۱۳۶۷ ق)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن (۱۰ جلد)، بیروت: دار‌المعرفة
30. طوسی، محمد بن الحسن، (۱۴۱۴ ق)، الأمالی (جلد ۱)، چاپ اول، قم: دار الثقافة
31. فیروزی، مصطفی، زارعی‌جلیبانی، محسن، (۱۴۰۲)، نقش داستان‌های قرآنی در تربیت اخلاقی و روان‌شناسی افراد جامعه، اختلالات جنسی و روان‌شناختی
- (روان‌شناسی مرضی با تأکید بر اختلال‌های جنسی)، ۱(۲)
32. قائمی‌مقدم، محمدرضا، (۱۳۸۹)، روش الگویی در تربیت اسلامی، مجله معرفت، شماره ۶۹، ۲۵-۳۷
33. قرآن کریم
34. کویانی، محمد، (۱۳۸۷)، رابطه مؤلفه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری در نگرش‌های مذهبی دانشجویان، مطالعات اسلام‌وروشناسی، ۲(۳)، ۹۷-۱۱۱
35. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۴۰۷ ق)، الکافی (ط-الإسلامیة)، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیة
36. کهساری، رضا، خوشنود، حسین، میریان‌آکندی، سیداحمد، فلاح، ابراهیم، (۱۴۰۰)، کارکرد باورهای اعتقادی در سطح رفتارهای اجتماعی، فصلنامه سبک زندگی با محوریت سلامت، دوره ۵، زمستان، ۵۱-۶۲
37. گنجی، حمزه، (۱۳۹۳)، روان‌شناسی عمومی، جلد ۱، چاپ ۶۷، تهران: ساوالان
38. گولد، جولیبوس، کولب، ویلیام، (۱۳۷۶)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، چاپ اول، تهران: نشرمازیار
39. متقی‌الهندی، علاء‌الدین علی بن حسام‌الدین البرهان‌فوری، (۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م)، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، بیروت: مؤسسة الرسالة، متولی‌زاده‌ناییبی، نفیسه، (۱۳۹۶)، نظریه‌همنشینی افتراقی بانگه‌آیات قرآن و روایات، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، سال ۲۳، شماره ۲ (پیاپی ۱۱۴)، ۱۴۳-۱۶۶
41. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار (۱۱۱ جلد)، چاپ دوم، بیروت: دار‌احیاء التراث العربی
42. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹)، مجموعه آثار (۲۸ جلد)، بی‌چاپ، تهران: وقم: صدرا
43. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، چاپ ۳۲، تهران: دارالکتب الإسلامیة
44. نجاتی، صلاح‌الدین، (۱۴۰۲)، بررسی ارتباط میان نگرش مثبت به زندگی و بهبود سلامت روان از دیدگاه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام)، مطالعات علوم اسلامی انسانی، شماره ۳۳، ۷۷-۸۵
45. نفیسی، علی‌اکبر، فروغی، محمدعلی، (بی‌تا)، فرهنگ نفیسی (۵ جلد)، بی‌چاپ، تهران: خیام
46. نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل (۲۸ جلد)، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البتین علیهم‌السلام
47. هاشمی، نظام، (۱۳۹۱)، تدوین یک مدل مفهومی و عملیاتی برای ایجاد علاقه و انگیزه به پژوهش در دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، سال ۸، شماره ۲۳، ۴۳-۹۵
48. یوسلبنانی، غلامعلی، حبیبی، مجتبی، سلیمانی، اسماعیل، (۱۳۹۱)،

تحلیل رویکردهای اسلامی در تقویت نگرش مثبت زنان به خانه‌داری

رابطه رفتار مطلوب انضباطی با عملکرد خانواده، منبع کنترل و عزت‌نفس
دانش‌آموزان، مجله روان‌شناسی مدرسه، تابستان، ۱۱۴-۱۳۴



Investigating the Consequences of Jihad Nikah from the Perspective of the Right to Health : with an Emphasis on the Holy Qur'an and Jurisprudence and Medical Law

Seyed Mohammad Alavizadeh ^{1*}, Akram Sadat Seyedi ²

Abstract

Housework, as one of women's foundational roles within the family structure, has long been a subject of contention between traditional and modern perspectives in socio-cultural discourses. In many societies, the diminishing social value of this role has led to weakened motivation and reduced satisfaction among women in performing domestic duties. This study aims to analyze Islamic approaches to fostering women's positive attitudes toward housework, seeking to propose constructive solutions by drawing on Islamic sources and psychological frameworks.

The research adopts a qualitative, document-based analysis methodology. Data were collected through library research, religious texts (Quran and hadith), and a review of prior studies, then categorized and interpreted via thematic analysis.

The findings are organized into three frameworks: cognitive, affective, and behavioral. The cognitive dimension highlights religious justifications, otherworldly rewards, spiritual growth, and Islamic role models. The affective dimension explores methods such as reinforcing self-worth, fostering psychological security, and acknowledging women's efforts to improve attitudes. Meanwhile, the behavioral approach identifies practical training, shared responsibilities, and male participation as key factors.

The study concludes that an integrated application of these approaches—under the guidance of Islamic teachings—can cultivate a positive attitude toward housework, transforming it into a spiritual, identity-forming, and developmental role within the Muslim woman's life.

1*. Corresponding author Level 4 of Seminary Studies, Qom Seminary, Qom, Iran.

M.A. in Communication and Islamic Propagation, University of Quran and Hadith, Qom, Iran.

Ph.D. Candidate in Quranic Sciences (specializing in Psychology), Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

2. Graduate of Level 4 from Jamiat al-Zahra, specializing in Comparative Exegesis, Qom, Iran.